

سیر و سیاحت

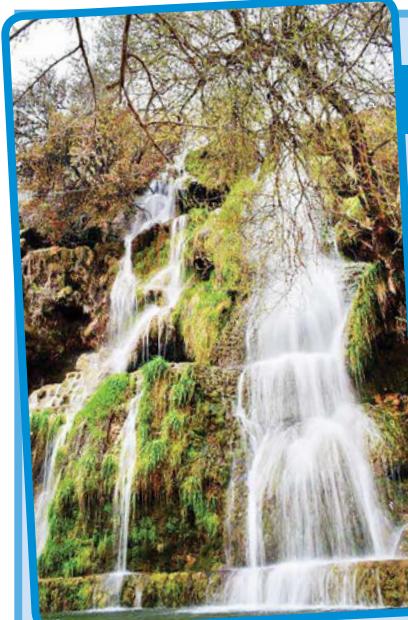
با کمپر، هر جا دلت خواست بمان

اگر اهل سفر، جاده و طبیعت‌گردی باشید، احتمالاً به این فکر افتاده‌اید که چقدر خوب می‌شد اگر ماشین خودتان هم‌زمان هم وسیله نقلیه بود، هم محل خواب و استراحت. یعنی بدون نیاز به رزو هتل، کمپ زدن با چادر یا نگرانی با بت پیدا کردن اقامتگاه، بتوانید هر جا که خواستید توقف کنید، غذای تان را بپزید، استراحت کنید و دوباره راه بیفتید. این دقیقاً همان ایده‌ای است که باعث به وجود آمدن چیزی به نام «کمپر» شده است. کمپر یا campervan به ماشین‌های گفته می‌شود که برای سفر طراحی یا بازطرابی شده‌اند تا امکانات اولیه زندگی را در دل خود جای بدهند.

از تختخواب و اجاق گاز گرفته تا سینک، یخچال کوچک، کمد، چراغ مطالعه و حتی سیستم تهویه یا پنل خورشیدی. مزیت بزرگ کمپر، آزادی در انتخاب مسیر و برنامه سفر است. شما محدود به ساعت ورود و خروج هتل یا برنامه اتوبوس و قطار نیستید. هرگاه احساس خستگی کردید، مکانی دلنشیں با منظره‌ای زیبا بیایید، ماشین را پارک کنید و لحظاتی آرامش بخش با چای داغ سپری کنید.

جالب‌تر این که کمپر نه تنها راحتی و آرامش بیشتری دارد، بلکه در درازمدت به لحاظ مالی به صرفه هم هست؛ چون شما هزینه‌های اقامت، غذاخوردن در رستوران یا حمل و نقل عمومی را حذف می‌کنید.

اگر به فکر شروع این سبک سفر هستید، پیشنهاد من این است که از ساده‌ترین شکل آن شروع کنید. یک آخر هفته با دوستان یا خانواده راه بیفتید، وسائل پایه‌ای مثل غذای کنسروی، تشك، چراغ و آب کافی بردارید و بینید آیا این سبک زندگی با شما جوړ است یا نه. بعد اگر خوش‌تان آمد، قدم به قدم ماشین تان را تجهیز‌تر کنید.



سفر به دل عطر و آب

۲ ساناز قبیری

دبیر چارچوبی ای



نمی‌دانم تا حالا اسم نیاسر را شنیده‌اید یا نه، ولی اگر دنبال جایی هستید که اردیبهشت راه‌مان طور که باید و شاید حس کنید، باید سری به این شهر کوچک بزنید.

من امسال تصمیم گرفتم برای چند روز از شلوغی تهران فرار کنم و در نهایت به پیشنهاد یکی از دوستانم راهی نیاسر شدم. شهری در دل استان اصفهان، حوالی کاشان که از همان لحظه ورود، بوی گل محمدی و صدای آب در ذهنم بیچید.

سفرم به نیاسر تقریباً اواسط اردیبهشت بود و وقتی که فصل گلاب‌گیری در اوج خودش است، همین که وارد شهر می‌شوی، انگار وارد دنیایی رنگارنگ و خیالی شده‌ای. کوچه‌پس کوچه‌های سنجگمشش شده، درخت‌های پرشکوفه، خانه‌های قدیمی با پنجره‌های چوبی و مهم تراز همه، دیگ‌های مسی بزرگی که بیرون خانه‌ها در حال جوشیدن هستند و عطر گل محمدی که تمام هوا را پر کرده است.

دیدنی‌های نیاسر

اولین جایی که رفم، باغ تالار نیاسر و بعد آبشار معروفش بود. این آبشار درست و سطح شهر قرار دارد؛ یعنی شما با چند دقیقه پیاده‌روی می‌رسید به منظره‌ای که انگار از دل کارت پستال‌ها بیرون آمده. آب با صدایی دلنشیں از دل کوه می‌ریزد پایین و نسیم خنکی صورت را نوازش می‌دهد. در آنجا نشستم روی یک سنگ، کفش‌هایم را درآوردم و پاهایم را در آب خنک گذاشتم. چیزی از این بهتر در یک روز اردیبهشتی وجود دارد؟

بعد از آن رفتم سراغ گشتن در کوچه‌های قدیمی و بازدید از «آشکده نیاسر» که هنوز هم استوار بالای تپه‌ای ایستاده و انگار دارد نگهبانی می‌دهد. از آن بالاکه به شهر نگاه می‌کنی، سقف خانه‌ها، سبزی درخت‌ها و گنبد امامزاده پنج تن منظره‌ای می‌سازند که تا مدت‌ها در ذهنت می‌ماند.

چی بخوریم؟ چی بخریم؟

از نظر خوارکی هم نیاسر کم نمی‌گذارد. شب در یک خانه بومگردی ماندم و برای شام، آش سماق و کوکوی کردو خوردم. محلی‌ها می‌گفتند این غذاها مخصوص مراسم سنتی و به خصوص فصل گلاب‌گیری است. نمی‌دانم ولی هرچه که بود، بی‌نظیر بود. صبح هم برای

صبحانه، کنار چای با عرق بیدمشک، نان

تازه محلی با پنیر و سبزی و عسل داشتم. همه چیز‌های طور بود که از یک سفر بهاری انتظار داری؛ ساده، صمیمی و واقعی. اگر دنبال سوغاتی هم هستید، نیاسر پر است از انتخاب‌های خوش عطر و خوش طعم.

از بطری‌های زیبای گلاب‌گرفته تا عرقیات گیاهی، نبات‌های معطر و حتی گل‌دان‌هایی که پراز گل محمدی خشک شده‌اند. خیالی فرقی نمی‌کند، هر چیزی که با خودتان ببرید، یک تکه از بهار را به خانه برداید. سفر من به نیاسر، فقط یک گردش نبود. انگار وقفه‌ای کوتاه در زندگی پر شتابم بود، فرصتی برای نفس کشیدن در هوای تازه، برای شنیدن صدای طبیعت و برای یادآوری این که هنوز جاهایی در این سرزمین هست که آدم را با سادگی و صداقت به شوق می‌آورد. اگر تا حالا به نیاسر نرفته‌اید، هنوز هم دیر نشده؛ قول می‌دهم پشیمان نمی‌شوید.

در نیاسر همه چیز دست ساز و ساده است.

بازارچه‌ای محلی آن نزدیکی بود که پر بود از بطری‌های گلاب و عرقیات گیاهی مثل: بیدمشک، بهارنازج، نعناع، کاکوتی و البته گل محمدی. فروشنده‌ها مهربان و خوش صحبت بودند. برایم از شیوه سنتی گلاب‌گیری گفتن و حتی یکی شان دعوتم کرد تا از کارگاه کوچک شان بازدید کنم. صحنه جالی بود؛ بخارهای معطر، صدای قلقل دیگ‌ها و چشم‌هایی که برق می‌زد از عشق به کاری که می‌کردند.

توضیح برای رمز جدول:

پس از حل کامل جدول از پشت سرهم قرار دادن حروف خانه‌هایی که با عدد مشخص شده‌اند رمز جدول به دست می‌آید.
تعداد حروف رمز جدول در هر شماره می‌تواند متغیر باشد.

طراح: بیژن گوارانی

جدول

سازی کوبه ای	دزدی با اسلحه
زغبیوت	از بکدیگر دور بودن
۴	قطره
۳	از پیامبران حیوان صحرانورد
۸	تبل جالیزی نشاط
۲	مریوط به شهر شیرینی فروش رود بزرگ لکن لیاس شویی
۱	دھن کجی حرف
۵	گوشواره دریا
۶	دله هوشی انگیزه وسائل مورد نیاز
۷	معهد سفارش میت
۱	داغ و سوزان زیرزمینی قطار
۰	آگاهی داغ
۹	کافی
۸	گوشت عرب بی بند و بار
۷	پیشوا صدای بلند
۶	استفراغ از انواع حج
۵	شاعر مثنوی
۴	E
۳	میانه
۲	میانه
۱	میانه

رمز جدول شماره قبل:

اوژانس